

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۹۳۱

۲۴ فروردین ۱۴۰۵

۱۳ آپریل ۲۰۲۶



دوشنبه ها منتشر میشود

فراخوان به اقدام جهانی
برای توقف اعدام ها و
آزادی زندانیان سیاسی
۱۳۰ نهاد و حزب و تشکل
به فراخوان پیوسته اند
صفحه ۸

با تمام قوا با اعدامها و
دستگیریها مقابله کنیم
صفحه ۱۰

به حزب
کمونیست کارگری
پیوندید!



تلگرام: @wpi_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

جنگ مردم با جمهوری اسلامی آتش بس ندارد

بیانیه حزب کمونیست کارگری در مورد آتش بس در جنگ آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی
صفحه ۲



چرخه جنگ - مذاکره و راه حل مردم

حمید تقوایی، صفحه ۳

جنگ، آتش بس، و باز هم جنگ - کاظم نیکخواه صفحه ۴

آتش بس میان آمریکا و جمهوری اسلامی شروع شد، ولی مردم آتش بسی نخواهند داد
اصغر کریمی، صفحه ۷

جمهوری اسلامی یعنی نابودی معیشت کارگران و مردم

شهلا دانشفر، صفحه ۶

مدیای اجتماعی

تشدید فضای امنیتی در اوین؛ بند ۷ در شرایط بحرانی، صفحه ۵

کمیته حقیقت یاب سازمان ملل نگرانی شدید خود را از وضعیت زندانیان و قطعی اینترنت در ایران
اعلام کرد، صفحه ۵

گزارش از زندان شبیان اهواز، صفحه ۷

آزادی منوچهر آقاییگی با تودیع وثیقه، صفحه ۹

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

جنگ مردم با جمهوری اسلامی آتش بس ندارد

بیانیه حزب کمونیست کارگری در مورد آتش بس در جنگ آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی

جنگ مردم با جمهوری اسلامی آتش بس ندارد

جنگ ۴۷ ساله مردم ایران علیه جمهوری اسلامی، آتش بسی ندارد و تا سرنگونی ادامه خواهد یافت. این یک تقابل عمیق اجتماعی و سیاسی است که از دل سرکوب، فقر، بی حقوقی و جنایت این حکومت شکل گرفته و تا زمانی که این رژیم بر سر کار است، ادامه خواهد داشت. این جنگ، جنگ بر سر زندگی، آزادی و آینده‌ای انسانی است و آتش بس بردار نیست.



گروه‌های نیابتی تروریست می‌خواهند نه سیاست‌های موشکی و هسته‌ای این حکومت را. توقف این جنگ اگر ادامه یابد، به معنای فرصتی برای شروع مجدد اعتراضات و تظاهرات و کارزارهای مختلف، و در واقع جنگ مردم علیه حکومتی است که طی جنگ با دولت‌های آمریکا و اسرائیل ضربات مهلکی خورده و بسیار ضعیف‌تر و ضربه پذیرتر شده است.

حکومت در مقابله با دشمن اصلی خود اینترنت را به بهانه جنگ خاموش کرد و مردم را در زندان اطلاعاتی خود نگهداشت. اعدام‌ها را گسترش داد، دستگیری‌ها و محکومیت‌ها را یک روز هم تعطیل نکرد و مقاماتش جنایتکارانه‌ترین تهدیدهایشان را علیه مردم معترض ادامه دادند. رژیم در میانه جنگش با آمریکا و اسرائیل، بر اعدام‌ها شدت داده و طی ۳ هفته ۱۴ نفر از معترضین را به اتهامات مختلف اعدام کرده است. چند هزار نفر نیز طی همین مدت دستگیر شدند و شمار زیادی از معترضین در خطر محکومیت‌های سنگین و حتی اعدام قرار دارند.

این واقعیات نشان می‌دهد که جنگ مردم با جمهوری اسلامی در دل جنگ میان دولت‌ها همچنان ادامه داشته است و بعد از آتش بس می‌رود که ابعاد و دامنه گسترده‌تری پیدا کند. جنگ مردم علیه جمهوری اسلامی، همانطور که تشکل‌های کارگری بعد از ختم جنگ ۱۲ روزه اعلام کردند، آتش بس ندارد.

حزب کمونیست کارگری ایران: حکومت می‌داند آنکه قرار است سرنگونش کند نه ترامپ و نتانیاهو بلکه همین مردمند. مردمی که اتحادشان را نگهداشته‌اند، حتی با کشتار فجیع دی‌ماه و دستگیری‌های دهها هزار نفره نیز مرعوب نشدند و بلافاصله در صدها مراسم و دهها دانشگاه اعتراضات باشکوه خود را شروع کردند. مردمی که عامل همه مصائب خود را، عامل جنگ و فقر و بی حقوقی را، همین حکومت منفور اسلامی می‌دانند. مردمی که آتش بسی با دشمن خود ندارند و جنگ‌شان را تا سرانجام پیروزی ادامه خواهند داد. باید برای سازمان یافتن و گسترش مبارزه در چنین شرایطی آماده شد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ فروردین ۱۴۰۵، ۸ آوریل ۲۰۲۶

جنگ آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی در حالیکه با بستن تنگه هرمز توسط جمهوری اسلامی، و تهدید به نابودی کل تمدن در ایران توسط ترامپ، به نقطه بسیار خطرناکی رسیده بود، با قبول بازکردن تنگه هرمز توسط جمهوری اسلامی و باز شدن باب مذاکرات، با یک آتش بس دو هفته ای متوقف گردید. اکنون هر دو سوی این جنگ خود را برنده اعلام کرده اند. ترامپ بخاطر تحمیل آتش بس و بازکردن تنگه هرمز به جمهوری اسلامی خود را پیروز می‌داند و جمهوری اسلامی بخاطر اینکه هنوز سرنگون نشده است.

آتش بس در شرایطی رخ داد که جمهوری اسلامی توانسته بود موضوع جنگ را به باز و بسته بودن تنگه هرمز تنزل دهد. از سوی دیگر ترامپ پذیرفت که طرح پیشنهادی جمهوری اسلامی مبنای مذاکرات باشد. بی شک جمهوری اسلامی حول این فاکتورها، و مهمتر از همه صرف بر سر پاماندن بعد از ۳۹ روز جنگ با بزرگترین قدرت نظامی جهان، به رجزخوانی علیه مردم دست خواهد زد. ولی واقعیت این است که بازنده نظامی و سیاسی این جنگ جمهوری اسلامی است. رژیم رهبر و سران و سرداران خود را از دست داده، نیروی سرکوب و مراکز نظامی‌اش بشدت ضربه خورده، کشاکش داخلی جناح‌های حکومتی تشدید شده و بحران بین المللی و منطقه ای جمهوری اسلامی به سطح بالاتر و حادثی وارد شده است. در چنین شرایطی جنگ مردم با جمهوری اسلامی که با کشتار دی‌ماه خونین بسیار حاد شده بود، وارد فاز جدیدی شده است.

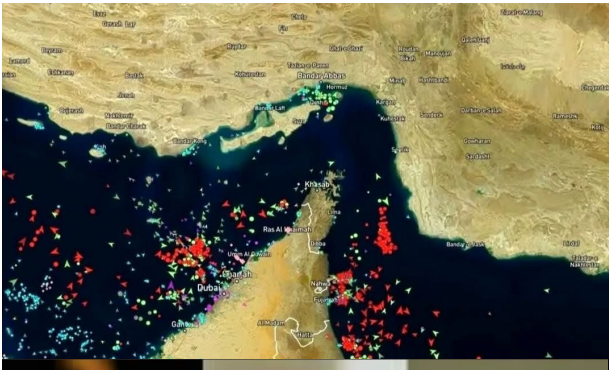
یک نکته که لازم به تاکید است این است که تا زمانی که جمهوری اسلامی بر سر کار است جنگ و شرایط جنگی پایان نخواهد یافت. تجربه این را نشان داده است و بویژه بعد از جنگ دوازده روزه فضای نظامی و جنگی شدت و گسترش بیشتری یافته و این اوضاع قابل بازگشت نیست. با این جنگ اوضاع منطقه وارد فاز تازه ای از بحران و کشاکش‌های بالقوه شده است. حکومت اسلامی اکنون نه فقط با آمریکا و اسرائیل بلکه با دولت‌های منطقه نیز که با آن جنگی نداشته‌اند در حالت جنگی بسر میبرد و این دولت‌ها متوجه شده‌اند که با وجود این حکومت به هیچ‌وجه امنیت و آسایش نخواهند داشت. حتی فضای اقتصادی و توریستی که در مناطقی مثل امارات و قطر و کویت به درجات مختلف امن و مناسب به نظر می‌رسید و سرمایه‌گذاران و کارگران زیادی از کشورهای مختلف برای کسب در آمد به این مناطق سفر می‌کردند، اکنون شکننده و غیرقابل اتکا شده است. این وضعیت از جمله باعث می‌شود که این دولت‌ها نیز برای خلاص شدن از شر جمهوری اسلامی از طریق جنگ به آمریکا و اسرائیل و روش‌های دیگر فشار بیشتری بیاورند و تلاش کنند آمادگی‌های دفاعی خود را در برابر جمهوری اسلامی تقویت کنند. بحران ایجاد شده و یا تشدید شده میان جمهوری اسلامی و دولت‌های منطقه، خود یکی از نقاط گرهی در ایجاد بحران نظامی و جنگی در منطقه خواهد بود.

یک نکته دیگر که بسیار مهم و قابل توجه است این است که اگر این جنگ متوقف شود، این بسیار محتمل است که جمهوری اسلامی به دلیل از دست دادن سران و سیاست‌گزاران و چهره‌های شاخص خود، خیلی زود دچار انشقاق و کشاکش‌های درونی حادی شود و فضای اجتماعی برای پیشروی جنبش سرنگونی و ضربه زدن به آن از جانب مردم بیش از پیش مهیا گردد.

تا آنجا که به مردم ایران مربوط می‌شود مردم باعث و بانی این جنگ و مصائب آنرا بی‌کم و کاست جمهوری اسلامی و سیاست‌های تروریستی آن می‌دانند. مردم نه

چرخه جنگ - مذاکره و راه حل مردم

حمید تقوائی



تمرکز و محور سیاستها و فعالیتهای هر نیروی انقلابی و آزادیخواهی در هر شرایطی باید سرنگونی جمهوری اسلامی باشد. حزب ما در جنگ و صلح و مذاکره و آتش بس و غیره پیگیرانه این سیاست را دنبال میکند. در شرایط حاضر گرچه رژیم در رابطه با دولتها اهرم تازه ای برای چانه زنی یافته است اما موقعیش در قبال مردم بسیار ضعیف تر و به هم ریخته تر و متزلزل تر از هر زمانی است. باید از این شرایط سود جست و سازماندهی و تقویت صف مردم را فعلا نه در دستور گذاشت. کار زار اقدام مشترک علیه اعدامها و برای آزادی زندانیان سیاسی و توقف بازداشتها و برای آزاد سازی اینترنت، که به همت بیش از ۱۳۰ حزب و نهاد آغاز شده است، میتواند اولین گام در این جهت باشد.

تا آنجا که به سیاست دولتهای غربی و نهادهای بین المللی در قبال جمهوری اسلامی مربوط میشود خواست و هدف ما بایکوت جمهوری اسلامی است. باید به دول غربی و همه دولتها گفت جنگ و حمله نظامی و سازش و تحریم اقتصادی و نظایر آن مساله ای را حل نخواهد کرد. جمهوری اسلامی را بعنوان حکومت ایران برسمیت نشناسید. جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست، قاتل آنهاست. به همین لیست مذاکره کنندگان اخیر در اسلام آباد نگاهی بیاندازید: دست همه شان تا آرنج بخون مردم ایران آلوده است. جای اینها پشت میله های زندان است و نه بر سر میز دیپلماسی. جمهوری اسلامی باید مانند رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی در دنیا طرد و منزوی شود. این بهترین اقدامی است که دنیای متمدن میتواند در کمک به مبارزات پیگیر مردم برای بریز کشیدن حکومت جانپان در ایران انجام دهد.

۲۳ فروردین ۱۴۰۵، ۱۲ آوریل ۲۰۲۶

بن بست مذاکرات اسلام آباد خود حاصل بن بست جنگ ۴۰ روزه است. جمهوری اسلامی با کنترل تنگه هرمز اهرم تازه ای برای اعمال فشار به آمریکا و اسرائیل بدست آورد و اساسا همین مساله بود که ترامپ را به سمت مذاکره سوق داد. امید داشتند که با ضربات مهلکی که به رژیم وارد کرده اند بتوانند شرایط خود را - که اکنون باز کردن تنگه هرمز به راس این خواستها رانده شده - به جمهوری اسلامی بقبولانند. اما این اتفاق نیفتاد. ظاهرا جمهوری اسلامی میخواهد کارت تنگه هرمز را برای گرفتن امتیازات بیشتری بر سر غنی سازی و حمایت از نیابتی ها و غیره همچنان حفظ کند. اما برای رژیم بستن تنگه هرمز یک شمشیر دولبه است. نه تنها آمریکا و اسرائیل بلکه کل دنیا نمیتواند فشرده شدن گلوگاه اقتصاد جهانی را بیش از این تحمل کند. اگر غنی سازی اورانیوم و خطر برخورداری جمهوری اسلامی از سلاح اتمی خطری استراتژیک و بلند مدت برای غرب محسوب میشود کنترل تنگه هرمز بوسیله جمهوری اسلامی خطری فوری و بالفعل برای کل اقتصاد دنیا است و از نظر همه دولتها باید به هر ترتیب در کوتاه مدت حل و فصل بشود.

جانپان حاکم بر ایران کنترل تنگه هرمز را ابزار اقتدار و پیروزی خود میدانند اما خودشان هم بخوبی واقفند که استفاده از این ابزار به سرعت میتواند به ضد خود تبدیل شود و همه کشورهای منطقه، همه اروپا و بسیاری از کشورهای آسیائی را که منافع مستقیم و حیاتی در رفت و آمد آزاد کشتیها در تنگه هرمز دارند، بطور فعالی علیه جمهوری اسلامی بسیج کند. اینکه این مساله بالاخره چطور حل و فصل خواهد شد تماما به سیر تحولات و عملکرد طرفین این جنگ در دو هفته مقرر برای آتش بس و دوره پس از آن بستگی دارد. اما سیر تحولات هر چه باشد یک نکته روشن است: نتیجه این دوره مذاکرات مستقیما به سرنوشت تنگه هرمز گره خورده است. این هم روشن است که حتی اگر مساله تنگه هرمز حل بشود و آتش بس پایدار بماند مساله جنگ و چرخه جنگ-مذاکره-جنگ پایان نخواهد گرفت.

غربستیزی و مرگ بر آمریکا و اسرائیل جزئی از موجودیت و هویت جمهوری اسلامی است و همین امر زمینه ساز جنگ و تنش و فضای جنگی در منطقه است. از سوی دیگر حکومت اگر از این سیاست پایه ای خود کوتاه بیاید تیشه به ریشه خود زده است. رژیم به هر دری خواهد زد تا پیکر نیمه جان خود را از حملات "شیطان بزرگ" و "رژیم صهیونیست" نجات بدهد اما نمیتواند از مقابله با این "دشمنان اسلام" دست بکشد. چرا که هم ایدئولوژی و علت وجودی اش مبتنی بر این تقابل است و هم سیاست و گفتمانی که یک اسلحه همیشگی اش در سرکوب مردم بوده است.

مساله غربستیزی و جنگ افروزی متناظر با آن تنها بدست مردم ایران حل خواهد شد. راه حل نهائی سرنگونی جمهوری اسلامی است. دولتها نه میخواهند و نه میتوانند جمهوری اسلامی را سرنگون کنند. هدف اعلام شده آنها حداکثر بقول خودشان تغییر رفتار حکومت اسلامی است. یعنی دست شستن رژیم از سیاستهای هسته ای و موشکی و حمایت از نیابتی هایش اما حتی تحقق این اهداف هم در گرو سرنگونی رژیم است.

BOYCOTT
Iran's killer regime!

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran



کاظم نیکخواه

نتیجه احتمال شعله ور شدن جنگی دیگر در آینده نزدیک کاملاً وجود دارد. البته قبل از جنگ گسترده، احتمالاً سیاست تحریمهای گسترده به جریان خواهد افتاد و بعد از مدتی حملات نظامی شروع خواهد شد.

ابعاد جنگ بعدی

جنگ بعدی اگر به جریان بیفتد قابل مقایسه با جنگهای قبلی نخواهد بود. سیاست رژیم چنج توسط آمریکا جزء جدایی ناپذیری از جنگ بعدی خواهد بود. یعنی دولت ترامپ و اسرائیل با هدف سرنگونی حکومت اسلامی و جانشتن کردن آن با یک الترناتیو قابل قبول خود دست به جنگ همه جانبه خواهند زد. جمهوری اسلامی نه فقط ضربات شدیدتری خواهد خورد بلکه امکان دوام و بقا نخواهد داشت. بدون تردید چنین جنگی بیش از پیش مردم را نیز قربانی خواهد کرد. نفس سیاست "رژیم چنج" توسط دولت آمریکا نیز خطرناک است و در تناقض با سیاست سرنگونی طلبی ما مردم در ایران قرار میگیرد که میخواهیم از شر جمهوری اسلامی خلاص شویم و جامعه و آینده ای آزاد و برابر و امن را رقم زنیم. رژیم چنج آمریکائی به معنای قرار دادن یک دار و دسته ارتجاعی بالای سر مردم توسط دولتهای ارتجاعی خواهد بود که معلوم نیست چه سیاستهای ضد مردمی را در پیش خواهند گرفت. تجربه های تاریخی از این نظر چندان دلچسب نیست.

سرنگونی جمهوری اسلامی با انقلاب مردم

سوال اصلی اینست که چگونه میشود مانع این جنگ و فضای خطرناک جنگی شد؟ به طور واقعی هیچکدام از طرفین این جنگ قابل دفاع نیستند. اما این تغییری در سیاست ما در قبال جنگ نمیدهد. مساله اصلی اینست که این جمهوری اسلامی است که بهانه جنگ و حمله نظامی را هم به ترامپ و هم به نتانیاهو میدهد. سیاست ماهوی این حکومت از روز اول روی کارآمدنش به دریا ریختن کل اسرائیل است. آری کل اسرائیل با ۹ میلیون جمعیت و نه فقط دولت این کشور! جمهوری اسلامی میخواهد کشوری بنام اسرائیل را از نقشه جهان پاک کند. این را سرانش علناً بارها از رسانه های رسمی و تریبونهایشان با صدای بلند اعلام کرده اند. یک سیاست ماهوی دیگر این حکومت حمله به آمریکاست که با شعار ماهوی مرگ بر آمریکا و به آتش کشیدن پرچم آمریکا در هر تجمع اوباش حکومتی خود را نشان میدهد. این سیاستها بهانه خوبی به نتانیاهو و ترامپ برای پروپاگاندای جنگی و بسیج جنگی علیه جمهوری اسلامی میدهد. در جهان اختلافات میان دولتها زیاد است. اما هیچ دولتی در دنیا این گونه در قبال یک کشور و یک دولت دیگر عمل نمیکند. هیچ دولتی سیاستهای رسمی اش نابودی یک دولت و یک کشور دیگر نیست. بنابراین برای پایان یافتن خطر جنگ و فضای جنگی از نظر ما که اپوزیسیون جمهوری اسلامی هستیم، سرنگونی جمهوری اسلامی یک امر حیاتی است. ما گفته ایم و میگوییم یک صلح طلب واقعی باید سرنگونی طلب باشد.

جنگ، آتش بس، و باز هم جنگ - کاظم نیکخواه

مذاکرات میان هیئت امریکائی و هیئت جمهوری اسلامی بعد از آتش بس، بدون نتیجه روز.. پایان یافت و هیئت های مذکور روز ۱۲ آوریل با دست خالی به کشورهای خود باز گشتند. جی دی ونس معاون ترامپ بعد از این مذاکرات گفت خبر بد اینکه مذاکرات به نتیجه نرسید. سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی گفت "انتظار نمی رفت این مذاکرات در یک جلسه به نتیجه برسد". آری انتظار نمی رفت. اما یک جلسه ای که معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی بدان اشاره میکند به مدت ۲۳ ساعت طول کشید که معادل سه چهار روز جلسات معمول میان دولتهاست.

بهر رو اکنون ناوهای آمریکا وارد خلیج فارس شده اند و ترامپ تهدید کرده است که ایران را در محاصره دریایی کامل قرار خواهد داد و تمام صادرات و واردات و رفت و آمد کشتی ها از تنگه هرمز و از تمام بنادر ایران را متوقف خواهد کرد. چنین سیاستی برگ برنده جمهوری اسلامی یعنی تنگه هرمز را دست این حکومت خواهد گرفت. سرفرماندهی مرکزی ارتش آمریکا اعلام کرد که پس از دریافت دستور دونالد ترامپ، محاصره تنگه هرمز را از دوشنبه ساعت ۵/۵ عصر به وقت تهران آغاز خواهد کرد و به هیچ شنواری اجازه تردد به مقصد یا از مبدا ایران را نخواهد داد. در آستانه این موعد، قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا هشدار داده است که اگر امنیت بنادر ایران تهدید شود این به معنای نقض آتش بس است و هیچ بندری در خلیج فارس و دریای عمان در امان نخواهد بود. این صف بندی به معنای نزدیک شدن طرفین به یک جنگ دیگر و گسترده تر است. در همین حال قیمت نفت با بیش از ۷ درصد جهش دوباره بالای ۱۰۰ دلار رفته است.

سایه جنگ دیگری در منطقه بالای سر مردم قرار گرفته است. مساله اساسی اینست که بار دیگر خط قرمزها روی هم قرار گرفته اند. برای جمهوری اسلامی حق غنی سازی اتمی و حمایت از نیروهای نیابتی در منطقه و تولیدات موشکی دوربرد خط قرمز است و حاضر به مصالحه و مذاکره بر سر آنها نیست. خاصیت این سیاستها برای جمهوری اسلامی مقابله با تهدیدات خارجی نیست. بلکه اساساً این سیاستها کاربرد داخل کشوری دارد و به ابراز قدر قدرتی جمهوری اسلامی برای مقابله با مردم در داخل کشور بسیار حیاتی است. اما از نظر دولت آمریکا و بویژه اسرائیل هر سه این سیاستها خطرناک و خط قرمزند و باید از جانب جمهوری اسلامی کنار گذاشته شوند.

آیا جنگ دیگری مجدداً شروع خواهد شد؟ برای جواب به این سوال باید به موقعیت طرفین کمی بیشتر دقیق شد. حقیقت اینست که جمهوری اسلامی در منگنه قدرتهای خارجی و بیش از آن در حلقه مردم سرنگونی طلب قرار دارد و ادامه جنگ را به معنای تحمل ضربات مهلک تر و ضعف و زبونی و بلند شدن مردم و نابودی خود می بیند و تمایلی به وارد شدن به جنگی مجدد را ندارد. دولت ترامپ نیز تمایل به وارد شدن به جنگی دیگر که میتواند هم گسترده تر و هم طولانی تر از جنگ ۴۰ روزه باشد و عواقب خطرناکی برای آینده این دولت داشته باشد، ندارد. در نتیجه هر دو طرف خواهان ادامه جنگ نیستند. اما برای توقف جنگ این کافی نیست. مساله اینست که قبول شرایط یک طرف به معنای شکست طرف مقابل است. یعنی هر دو طرف قبول شرایط طرف مقابل را برای خود یک شکست میدانند و حاضر به قبول آن نیستند. این وضعیت یک حالت بن بست در مذاکرات ایجاد کرده است که بسادگی قابل حل نیست.

هنوز رایزنی ها ادامه دارد و ممکن است دور دیگری از مذاکرات قبل از شروع جنگی همه جانبه شروع شود. اما بطور واقعی طرفین انتخاب زیادی ندارند. و در



می‌گیرد. این روند به یکی از اصلی‌ترین نگرانی‌های زندانیان تبدیل شده است.

مشکلات مربوط به فروشگاه بند نیز به این وضعیت دامن زده است. طی دو ماه گذشته، اقلام ضروری مانند لبنیات، مواد پروتئینی و میوه به‌ندرت در دسترس بوده و زندانیان امکان جبران کمبودهای غذایی خود را از دست داده‌اند. نبود برنامه مشخص برای تأمین این اقلام، بر ابهام و دشواری شرایط افزوده است.

از سوی دیگر، وضعیت بهداشتی نیز نگران‌کننده گزارش شده است. گسترش ساس در سالن‌ها، بوی نامطبوع فاضلاب و کمبود امکانات بهداشتی، شرایط زندگی را برای زندانیان دشوارتر کرده است. با وجود این مشکلات، تاکنون پاسخ مؤثر و روشنی از سوی مسئولان ارائه نشده و همین امر نگرانی‌ها درباره تداوم این وضعیت را افزایش داده است. منبع: صدای بازداشت‌شدگان ایران (برگرفته از مدیای اجتماعی)

تشدید فضای امنیتی در اوین؛ بند ۷ در شرایط بحرانی

یک‌شنبه ۲۳ فروردین‌ماه ۱۴۰۵- گزارش‌های دریافتی از زندان اوین، به‌ویژه بند ۷، از تشدید فشارهای امنیتی و وخامت قابل توجه شرایط نگهداری زندانیان حکایت دارد. همزمان با افزایش تنش‌های منطقه‌ای و فضای جنگی، کنترل و نظارت بر زندانیان به‌طور محسوس‌تری افزایش یافته و محیط زندان حالتی کاملاً امنیتی به خود گرفته است. در این میان، محدودیت‌های شدید بر تردد زندانیان اعمال شده و رفت‌وآمد آنان به حداقل رسیده است.

بر اساس این گزارش‌ها، سالن‌های بند ۷ در اغلب ساعات شبانه‌روز بسته نگه داشته می‌شود و زندانیان عملاً از امکان خروج آزادانه محروم هستند. این وضعیت موجب کاهش تحرک، افزایش فشار روانی و تشدید احساس انزوا در میان زندانیان شده و شرایطی مشابه قرنطینه اجباری را در این بند ایجاد کرده است. محدودیت‌های اعمال‌شده همچنین ارتباطات درون‌بندی و دسترسی به امکانات اولیه را با اختلال جدی مواجه کرده است.

در کنار این شرایط، وضعیت تغذیه زندانیان نیز به‌طور چشمگیری افت کرده است. کیفیت و کمیت غذا در سطح بسیار پایینی قرار دارد و در برخی شب‌ها تنها یک وعده ساده مانند عدسی، آن هم به مقدار بسیار محدود، در اختیار زندانیان قرار

جنگ، آتش بس، و جنگ، آتش بس، و ... از صفحه ۴

اسلامی بسیار متفرد و ضربه خوردن جمهوری اسلامی و نابودی سران و سردارانش را به نفع جنبش سرنگونی می‌دانند. این حکومتی است که در ژانویه همین امسال طی دو روز بیش از ۴۰ هزار نفر از معترضین را به قتل رساند. آری بیش از ۴۰ هزار نفر طی دو روز! دنیا چندان به این جنایت و دیگر جنایات حکومت اسلامی توجه نکرد. جمهوری اسلامی توسط مردم صلح طلب دنیا زیر ضرب قرار نگرفت. متأسفانه اکنون حتی پرچم‌های این حکومت در تظاهرات‌های ضد جنگ در لندن و شهرهای بزرگ دیگر دیده می‌شود و مقابله چندان با این حکومت و پرچم خونینی که سمبل قتل عام و کشتار مردم ایران است صورت نگرفت. این حکومت یک نیروی خبیث ضد کارگر، ضد دانشجو، ضد زن، ضد بهاییان، ضد بازنشستگان و ضد همه مردم و تمام ارزشهای پیشرو جهان است. در دنیای موجود هیچ حکومتی چنین کارنامه خونینی در پرونده خود ندارد. با سرنگونی حکومت اسلامی دنیا خواهد دید که چه موجود جنایتکار و خبیث و ضد بشری ای طی نزدیک به پنجاه سال گذشته بر مردم ایران حکومت کرده است.

جمهوری اسلامی از مقطع بستن تنگه هرمز در این توهم بسر میرد که میتواند شرایط خود را به ترامپ و اسرائیل تحمیل کند. بنابراین حاضر به مذاکره بر سر غنی سازی اتمی و تولید موشک‌های دوربرد و مساله نیروهای نیابتی در کشورهای دیگر نیست. این حکومت در تلاش است که علیرغم ضربات مهلکی که خورده و خامنه ای و بسیاری از سرداران و مواضع و نیروهایش را از دست داده است، بعنوان پیروز جنگ موقعیت خود را تثبیت کند. این پیروزی برای دست بالا پیدا کردن حکومت در برابر مردم ایران بسیار ضروری است. مقامات حکومت میدانند که یک جمهوری اسلامی شکست خورده خیلی زود توسط مردم سرنگون خواهد شد.

جنگ و شرایط جنگی فشار سنگینی را روی مردم در ایران وارد کرده و میکند. اما مردم ایران نسبت به آنچه در کشورهای دیگر و جنبش ضد جنگ شاهدیم، بسیار کمتر با جنگ علیه جمهوری اسلامی مخالفت دارند. چرا که بحق از جمهوری

کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل نگرانی شدید خود را از وضعیت زندانیان و قطعی اینترنت در ایران اعلام کرد



«خساراتی جبران‌ناپذیر «بر زندگی مردم ایران وارد کرده است. این کمیته هشدار داده است که برخی از این حملات می‌تواند در صورت اثبات جنایت جنگی به حساب بیاید (برگرفته از مدیای اجتماعی).

کمیته حقیقت‌یاب مستقل سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران روز جمعه در بیانیه‌ای از وضعیت زندانیان در ایران و همچنین قطع طولانی مدت اینترنت شدیداً ابراز نگرانی کرد.

این کمیته در زمینه بازداشتی‌ها مخصوصاً معترضین بازداشت شده در دی‌ماه ۱۴۰۴ و همین‌طور بازداشتی‌های پس از جنگ، قطعی ممتد و تقریباً صددرصدی اینترنت در کشور، سرکوب فعالان جامعه مدنی و اعدام‌هایی که اخیراً با اتهامات امنیتی توسط قوه قضاییه اجرا شده شدیداً ابراز نگرانی کرده است. در این بیانیه به دستگیری بهاییان و نسرين ستوده نیز اشاره شده است.

در سوی مقابل، کمیته حقیقت‌یاب به قربانی شدن غیرنظامیان و آسیب دیدن زیرساخت‌های غیرنظامی در ایران اشاره و تأکید کرده که حملات آمریکا و اسرائیل



خواهد بود.

فضای انفعاری جامعه و خواسته‌های محوری مردم

شرایط جنگی و خسارات سنگین اقتصادی ناشی از آن، وضعیت زندگی و معیشت مردم را به مراتب نسبت به قبل نیز وخیم‌تر کرده است. مردمی که در این دوره، فشارهای شدید اقتصادی را تحمل کردند و با همیاری و همبستگی، صف خود را در برابر حکومت متحد نگاه داشتند، اکنون مطالبات معیشتی خود را دارند و موجی از اعتراضات کارگران و اجتماعی بر سر این مطالبات در راه خواهد بود.

برای مثال در جریان این جنگ، حملات به مناطق نفتی در عسلویه، پتروشیمی‌های جنوب و صنایع فولاد، موجب بیکاری گسترده کارگران شد. بسیاری از آنان نه تنها کار خود را از دست داده‌اند، بلکه دستمزد ماه‌های گذشته خود را نیز طلبکارند و کارفرمایان مفتخور با سوء استفاده از فضای موجود از پرداخت به موقع دستمزدها امتناع میکنند. به عنوان نمونه، طبق گزارشات، دو هزار کارگر معدن زغال‌سنگ البرز غربی سه ماه دستمزد دریافت نکرده‌اند. همچنین در مراکز کارگری متعدد، اخراج‌های گسترده‌ای صورت گرفته است؛ از جمله در استان گیلان، در شرکت ریسندگی خاور، بیش از هشتاد درصد کارگران اخراج شده‌اند.

بدین ترتیب، در شرایط جنگی و به بهانه جنگ، تعرضی گسترده‌تر و سراسری‌تر به معیشت کارگران و کل جامعه صورت گرفته است؛ تعرضی که ابعاد دقیق آن هنوز روشن نیست، اما بی‌تردید فشار سنگینی بر کل نیروی کار وارد کرده است. همه این‌ها نتیجه سیاست‌های چهل و هفت ساله جنگ‌افروزان جمهوری اسلامی است که هزینه‌های آن از جیب مردم پرداخت شده است.

در برابر این حجم از فشار اقتصادی، مردم خواستار جبران خسارات‌اند. کار، معیشت و دستمزدهای معوقه خود را طلب می‌کنند. آنان به خوبی می‌دانند که تا این حکومت سرکار است، جنگ، فقر، بیکاری، تبعیض و نابرابری نیز ادامه خواهد داشت. از همین رو سرنگونی این حکومت و پایان دادن به این چرخه، در صدر مطالبات آنان قرار دارد.

مردم نه غنی‌سازی می‌خواهند، نه موشک بالستیک و نه گروه‌های نیابتی. آنان بارها با شعار «نه جنگ می‌خواهیم، نه کشتار، رفاه می‌خواهیم ماندگار» (در برابر سیاست‌های جنگ‌افروزان حکومت ایستاده‌اند. پایان دادن به این سیاست‌ها، توقف سرکوب و کشتار، پاسخگویی به مطالبات معیشتی و جبران خسارات، از خواسته‌های فوری کارگران و مردم در مسیر پایان دادن به این وضعیت است. با چنین مطالباتی، باید صف اعتراض را در سطح جامعه و محیط‌های کار سازمان داد، به تدارک اعتصابات کارگری پرداخت و حکومت را در حلقه محاصره و اعتراض قرار داد. پاسخ فوری به جنگ، ناامنی، فقر و گرسنگی و بساط مافیایی حاکم سرنگونی جمهوری اسلامی است. باید با تمام توان، صفوف خود را برای تحقق این هدف متحد و سازمان‌دهی کرد.

جمهوری اسلامی یعنی نابودی معیشت کارگران و مردم

شهلا دانشفر

مسئله معیشت و نابودی آن، محور اصلی اعتراضات مردمی در خیزش دی‌ماه بود. خیزشی که با اعتصابات بازار جرقه خورد و سپس در نزدیک به دویست شهر، با فریاد «فقر، فساد، گرانی؛ می‌ریم تا سرنگونی» به خیابان کشیده شد. مردم، در امتداد انقلاب «زن، زندگی، آزادی»، حکم به پایان این رژیم سراسر نکبت و بدبختی دادند؛ خیزشی که حکومت برای سرکوب آن، دست به کشتاری گسترده زد.

اما مردم با فریاد دادخواهی، در تداوم اعتراضات خود، در مراسم‌های گرامیداشت هزاران نفره، اعتراضات سراسری دانشگاه‌ها، و با سر بلند کردن دوباره اعتراضات بازنشستگان و بخش‌های مختلف جامعه دوباره قد علم کردند. آنان با شعار «مرگ بر دیکتاتور» بار دیگر خیابان را به عنوان عرصه مبارزه برگزیدند تا خود را از چنگ این حکومت کشتار و بردگی رها کنند.

حمله آمریکا و اسرائیل به جمهوری اسلامی در نهم اسفند و آغاز جنگ، سیر تحولات سیاسی جامعه را وارد فاز تازه‌ای کرد. این جنگ در شرایطی آغاز شد که مردم، مبارزه خود علیه حکومت را پیش می‌بردند. در فضای جنگی، اعتراضات مردم—که حکومت را عامل کشیده شدن اوضاع به چنین شرایطی می‌دانستند—شکل متفاوتی به خود گرفت. از جمله، در بسیاری از محلات و شهرها، مردم با ابراز شادی نسبت به مرگ خامنه‌ای و برخی مقامات حکومتی، و با فریاد «مرگ بر دیکتاتور»، واکنش نشان دادند.

همزمان مردم با خودسازماندهی، تشکیل گروه‌های همیاری و همبستگی، و تداوم «سه‌شنبه‌های نه به اعدام»، تلاش کردند از فروپاشی شیرازه زندگی و معیشت در فضای جنگی، جلوگیری کنند و صف اعتراض خود را برای مقابله‌های بعدی متحدتر سازند. این روند ادامه یافت تا آنکه پس از سی‌ونه روز جنگ—که هر دو طرف در بن‌بست قرار گرفته بودند—در ۱۹ فروردین، آتش‌بسی دو هفته‌ای اعلام شد.

این جنگ، برای حکومت، شکستی سیاسی و نظامی به همراه داشت. با از دست دادن رهبر و بالاترین مقامات نظامی، و تضعیف شدید اقتدار، صفوف آن بیش از هر زمان دیگری دچار تشتت و به هم ریختگی شده است. در چنین شرایطی، حکومت از نظر اقتصادی و سیاسی در موقعیتی به مراتب ضعیف‌تر در برابر مردمی قرار دارد که بارها تأکید کرده‌اند مبارزه‌شان با این حکومت آتش‌بس‌بردار نیست.

اکنون در چنین شرایطی، مردم آشکارا مترصد بازگشت به میدان و به سرانجام رساندن مبارزه برای پایان دادن به این حکومت جنگ و نکبت هستند. مردم میدانند که راه واقعی پایان دادن به جنگ و ناامنی و کل این بساط توحش و بردگی حاکم سرنگونی جمهوری اسلامی است. و پایان دادن به سیاست‌های جنگ‌افروزان حکومت، پایان دادن به بساط سرکوب و زندان و اعدام بعنوان حربه اصلی حکومت برای عقب زدن جامعه و مطالبات معیشتی، سه محور مهم خیزش دوباره مردم در شکل‌گیری انقلاب مردم برای رهایی

چه این جنگ تمام نشود یا نشود،

مردم جمهوری اسلامی را عمل همه

بدبختی‌ها و عامل همین جنگ می

دانند و خسارتی که به زندگی‌شان وارد

شده را باید از همین جنایتکاران و

مفتخوران حاکم بخواهند.

زندانی سیاسی،

اعتراض زندانی



آزاد باید گردد!

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

زن، زندگی، آزادی!

مشخصات فنی تلویزیون کانال جدید

یوتل‌ست، فرکانس ۱۱۳۸۷ افقی ۲۷۵۰۰

ترکمن عالم (جهت یاهست) فرکانس ۱۰۸۴۵-
عمودی ۲۷۵۰۰-اف ای سی ۲/۳

یوتل‌ست
فرکانس ۱۱۳۸۷
افقی ۲۷۵۰۰

KANAL
کانال جدید

محکومیت‌ها را یک روز هم تعطیل نکرد و مقاماتش جنایتکارانه‌ترین تهدیدهایشان را علیه مردم معترض ادامه دادند. چون بیش از هر چیز از همین مردم وحشت دارند. می‌دانند آنکه قرار است سرنگونشان کند نه ترامپ و تانیاهو بلکه همین مردمند. مردمی که اتحادشان را نگهداشته‌اند، حتی با کشتار فجیع دیمه و دستگیری‌های دهها هزار نفره نیز مرعوب نشدند و بلافاصله در صدها مراسم و دهها دانشگاه اعتراضات باشکوه خود را شروع کردند. مردمی که عامل همه مصائب خود را، عامل جنگ و فقر و بی‌حقوقی را، همین حکومت منفور اسلامی می‌دانند. مردمی که آتش‌بسی با دشمن خود ندارند و جنگ‌شان را تا سرانجام پیروزی ادامه خواهند داد.

سرنگون باد حکومت منفور و آدمش و در هم شکسته جمهوری اسلامی
زنده باد زن زندگی آزادی

همچنین این گزارش از شیوع گسترده بیماری در میان زندانیان حکایت دارد. بسیاری از زندانیان دچار بیماری‌های مختلف شده‌اند و اگرچه انتقال به بهداری در برخی موارد انجام می‌شود، اما کیفیت داروها مورد تردید قرار گرفته و گفته می‌شود برخی از آن‌ها نزدیک به تاریخ انقضا یا تاریخ مصرف گذشته هستند.

از دیگر مشکلات جدی، وضعیت بهداشتی محیط و آلودگی گسترده به «ساز» عنوان شده است. به گفته منابع، حضور این حشرات در حدی است که بدن برخی زندانیان به شدت دچار آسیب‌های پوستی شده و تلاش‌های انجام‌شده برای مقابله با آن، از جمله سم‌پاشی محدود، مؤثر نبوده است.

در حوزه امکانات رفاهی نیز شرایط مطلوب گزارش نشده است. با وجود وجود کولر در اتاق‌ها، به دلیل تراکم بالای جمعیت، این تجهیزات پاسخگوی نیاز زندانیان نیست. همچنین تعداد حمام‌ها بسیار محدود (حدود چهار واحد) است و دسترسی به آب گرم نیز به دلیل تعداد بالای جمعیت عملاً وجود ندارد و آب همیشه سرد است. بر اساس این گزارش، بخش قابل توجهی از زندانیان از شهرهایی مانند ایزد و مسجدسلیمان هستند و برخی از آن‌ها با اتهاماتی نظیر «محرابه»، «اقدام تروریستی» و «اقدام مسلحانه» مواجه شده‌اند، در حالی که هنوز دادگاه آن‌ها تشکیل نشده و وضعیت پرونده‌شان نامشخص است.

همچنین گزارش شده که برخی از بازداشت‌شدگان که پیش‌تر در بازداشتگاه‌های دیگر نگهداری می‌شدند، به این زندان منتقل شده‌اند و روند بازجویی آن‌ها همچنان ادامه دارد. مجموع این شرایط، تصویری از وضعیت بحرانی در زندان شیپان اهواز ارائه می‌دهد؛ جایی که ازدحام، کمبود امکانات اولیه، مشکلات بهداشتی و بلاتکلیفی قضایی، نگرانی‌ها درباره وضعیت حقوق بشر زندانیان را افزایش داده است. (برگرفته از مدیای اجتماعی)

آتش‌بس میان آمریکا و جمهوری اسلامی شروع شد، ولی مردم آتش‌بسی نخواهند داد - اصغر کریمی

هم‌زمان با شروع آتش‌بس، جمهوری اسلامی رجزخوانی خود را شروع کرد. این رجزخوانی‌ها و اعلام جشن توسط جمهوری اسلامی، اساساً رو به مردم دارد. رو به طرف اصلی‌تر جنگ، جنگ ۴۷ ساله جنگی که آتش‌بس ندارد و سرنوشت جمهوری اسلامی در آن رقم زده خواهد شد.

مردم با این رجزخوانی‌ها آشنایی عمیقی دارند. می‌دانند که رجزخوانی برای جمهوری اسلامی در مقابله با مردم و در تلاش برای ارعاب جامعه حیاتی است. این تش‌بس و مذاکراتی که قرار است از روز جمعه شروع شود حتی اگر به پایان این جنگ معین منتهی شود، باز هم مردم می‌دانند که تا جمهوری اسلامی هست نه امنیتی برقرار خواهد شد و نه خطر جنگ و جنگ‌های بعدی کنار خواهد رفت.

در پس این رجزخوانی‌ها و در دل همین شرایط مردم خود را برای ادامه جنگ ۴۷ ساله خود آماده می‌کنند. جنگ با حکومتی که رهبرش را از دست داده، صدها نفر از مقامات و فرماندهان کلیدی‌اش را از دست داده، مراکز نظامی‌اش ضربات سختی خورده، در منطقه از همیشه منزوی‌تر شده و خشم و نفرت جامعه از آن عمیق‌تر شده است. حکومتی که هیچ منفذی برای کاهش بحران‌هایش ندارد و قادر به هیچ درجه تخفیفی در معضلات عظیم اقتصادی اکثریت مردم نیست. مردم باعث و بانی این جنگ و مصائب آنرا بی‌کم و کاست جمهوری اسلامی و سیاست‌های تروریستی آن می‌دانند. نه گروه‌های نیابتی تروریست می‌خواهند نه سیاست‌های موشکی و هسته‌ای این حکومت را.

حکومت در مقابله با دشمن اصلی خود اینترنت را به بهانه جنگ خاموش کرد و مردم را در زندان اطلاعاتی خود نگهداشت. اعدام‌ها را گسترش داد، دستگیری‌ها و

گزارشی از زندان شیپان اهواز

بر اساس گزارش‌ها از زندان شیپان اهواز (زندان مرکزی اهواز) حاکی از شرایط نگران‌کننده نگهداری زندانیان، به‌ویژه بازداشت‌شدگان ماه‌های اخیر است. بر اساس این گزارش، بخش‌هایی از این زندان به‌طور مشخص به بازداشت‌شدگان اعتراضات ماه‌های گذشته اختصاص یافته و شمار قابل توجهی از زندانیان در وضعیت بلاتکلیف نگهداری می‌شوند.

گفته می‌شود بند دو (قرنطینه) به بازداشت‌شدگان تازه اختصاص داده شده و بندهای پنج و هشت نیز به‌عنوان بندهای امنیتی و سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در این بخش‌ها، افرادی که در اعتراضات سال‌های گذشته بازداشت شده‌اند در کنار بازداشت‌شدگان ماه‌های اخیر نگهداری می‌شوند.

بر اساس این اطلاعات، در ساختمانی که محل نگهداری این زندانیان است، شش اتاق وجود دارد که در هر یک حدود ۴۰ نفر اسکان داده شده‌اند. همچنین از فضاهای عمومی مانند حسینیه‌ها نیز برای اسکان زندانیان استفاده شده و در مجموع، جمعیت این بخش به حدود ۲۷۰ تا نزدیک به ۳۰۰ نفر می‌رسد. بر اساس اطلاعات دریافتی، اکثریت این افراد همچنان بلاتکلیف بوده و تنها تعداد محدودی از آن‌ها حکم دریافت کرده‌اند.

شرایط بهداشتی در این زندان بسیار نامناسب توصیف شده است. زندانیان از کمبود شدید آب خبر می‌دهند؛ به‌گونه‌ای که در برخی روزها از صبح تا ساعات عصر، آب برای استفاده در سرویس‌های بهداشتی، حمام و شست‌وشو در دسترس نیست. تعداد سرویس‌های بهداشتی محدود (حدود شش واحد برای صدها نفر) و کیفیت پایین آب نیز بر مشکلات افزوده است.

فراخوان به اقدام جهانی برای توقف اعدام ها و آزادی زندانیان سیاسی



انجمن پروژه دموکراتیک کردستان ایران
انجمن پژوهشگران ایران
انجمن جنبش زن، زندگی، آزادی
فلورانس - ایتالیا
انجمن زن، زندگی، آزادی گراتس
انجمن زن، زندگی، آزادی نورنبرگ
انجمن زن زندگی آزادی درآلمان -
فرانکفورت

انجمن زنان آزاده ایرانی
انجمن زندانیان سیاسی کردستان ایران
انجمن ژینا برای برابری زنان و حقوق جنسیتی
انجمن مانا میلان - ایتالیا
انجمن مجروحان و دادخواهان قیام ژینا
اتلاف برای حقوق اقلیت ها

اتلاف مستقل برای ایران آزاد (IAFI)

ایران آزاد سوییس
ایران پروتست مالمو
ایران پروتست هلسینگبوری
برابری برای همه
بنیاد راه ستار بهشتی
بنیاد کیان
پزشکان ایرانی - کاندایی حامی حقوق بشر
تشکل انقلاب زنانه

تلاشگران راه آزادی ایران
جبهه ائتلاف نجات ایران (جانا)
جبهه متحد بلوچستان
ایران (جمهوریخواهان)

جبهه مردم بلوچستان
جمعیت حقوق بشر آذربایجان (آرک)
جنبش مادران پارک لاله فرزنو
چالش صنفی معلمان ایران
حزب اتحاد بختیاری و لرستان
حزب تضامین دموکراتیک اهواز
حزب چپ ایران - هلند

حزب حیات آزاد کردستان (پژاک)
حزب دموکرات کردستان ایران
حزب دموکرات مسیحی ایران

حزب سبزهای ایران
حزب کمونیست ایران
حزب کمونیست کارگری ایران
حزب کومله کردستان ایران

حزب مردم بلوچستان
دادخواهان کردستان

صفحه ۹

به ابتکار ۱۲۴ شبکه مبارزاتی، احزاب و تشکل های سیاسی و نهادهای مدنی، فراخوان یک اقدام جهانی به منظور توقف اعدام ها در ایران، آزادی زندانیان سیاسی و معترضان بازداشتی، و همچنین دسترسی به اینترنت بین المللی، در فاصله ۱۱ تا ۲۶ آوریل ۲۰۲۶ صادر شده است. از همه شما دعوت می کنیم به این اقدام جهانی بپیوندید.

شما نیز می توانید در شهر خود مبتکر برگزاری تظاهرات یا هر برنامه دیگری در همراهی با این فراخوان باشید. چنانچه برای انجام این کار اقدام می کنید، لطفاً ما را مطلع کنید تا آفیش لازم را برای شما ارسال کنیم. یک آفیش سراسری برای این اقدام جهانی تدارک دیده شده است که متناسب با فعالیت های هر شهر نیز تنظیم و منتشر می شود.

از همه نهادها و تشکل هایی که مایل هستند نام آنها به لیست فراخوان دهندگان اضافه شود در خواست می کنیم از طریق زیر با ما تماس بگیرند:

تلفن تماس : 00393894732871

تماس از طریق تلگرام: NoToExecutions_Tamas

فوری | فراخوان اقدام جهانی

۱۳۰ نهاد امضا کرده اند.

به اقدامات جهانی برای توقف اعدام ها و آزادی زندانیان سیاسی در ایران بپیوندید
۱۱ تا ۲۶ آوریل ۲۰۲۶

ما، امضاءکنندگان این فراخوان، از همه ایرانیان ساکن خارج از کشور، فعالان، انجمن ها و نهادها، مدافعان حقوق بشر، و همچنین تمامی احزاب و گروه های سیاسی دعوت می کنیم تا متحد شده و برای تحقق خواسته های فوری مردم ایران به میدان بیایند.

مطالبات فوری ما:

- توقف فوری تمامی اعدام ها و لغو مجازات اعدام
- آزادی فوری تمامی بازداشت شدگان و زندانیان سیاسی
- دسترسی فوری مردم ایران به اینترنت آزاد.

ما پیشنهاد می کنیم در فاصله ۱۱ تا ۲۶ آوریل ۲۰۲۶، اقداماتی از جمله تحصن، تظاهرات، پرفورمنس های خیابانی، دیدار با نمایندگان پارلمان ها، دولت ها، احزاب سیاسی، اتحادیه های کارگری، سازمان های مترقی و رسانه ها، و هرگونه فعالیت مؤثر دیگر برای رساندن صدای مردم ایران به جامعه جهانی برگزار شود. اکنون زمان همبستگی و اقدام است. برای توقف اعدام ها، آزادی زندانیان سیاسی و دسترسی آزاد به اینترنت، به این حرکت بپیوندید.

دبیرخانه فراخوان آوریل ۲۰۲۶

به ترتیب حروف الفبا:

۱ اتحاد برای زن، زندگی، آزادی استکهلم

اتحاد برای پایان بخشیدن به اعدام ها در ایران

اتحاد زنان چپ - اتحاد زنان کردستان

اتحادیه رفاه، صلح، عدالت و آزادی مردم ایران

اتاق فکر اپوزیسیون ایران

آزادانه

استقلال و برابری پایدار زنان (وایز)

انجمن ایرانی دفاع از حقوق بشر در اسپانیا

انجمن بین المللی حقوقدانان متخصص و کنشگران سیاسی ایران در برون مرز

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان
انهاست. درج مقالات در کارگر
کمونیست لزوماً به معنی تأیید
مضمون آنها از جانب نشریه نیست



از صفحه ۸

فراخوان اقدام جهانی ...

دماوند

دیدبان حیات: شبکه درمانگران حقوق بشر ایران

سازمان حقوق بشر ایران

زمین: توانمند سازی فراگیر درمانی

رویش

زن، زندگی، آزادی مونیخ

سازمان جوانان کمونیست

سازمان حق زن

سازمان حقوق بشر برای ورزش

سازمان حقوق بشر هانا

سازمان حقوق بشری رونی ماف

سازمان زنان کردستان ایران

سازمان شیوار

سازمان اتحاد فدائیان خلق

سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

سازمان مردمی گُرمائج (کردهای خراسان)

سازمان ماموریت حیات تازه خاورمیانه

سازمان هانای روژه لات

سولیدارتی ایرانیان ونکوور

شبکه ایرانیان اسن

شبکه جهانی برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران

شبکه زن، زندگی، آزادی بلژیک

-شبکه جهانی کانال ۲

شبکه فراگیر زن، زندگی، آزادی برای تشکیل شورای هماهنگی و رهبری (ایران)

آلترناتیو)

شبکه همکاری های جنبش زن، زندگی، آزادی در ایتالیا

شش رنگ (شبکه LGBTQ+ ایران)

شورای آزادیخواهان سوسیالیست

شورای برگزاری آکسیون های مشترک در هلند

شورای براندازی

شورای همکاری ترکمن صحرا

صدای ایران

کارزار جهانی نه به اعدام در ایران

کانون حامیان عدالت

کانون خاوران

کانون سیاسی فرهنگی آذربایجان

کانون فرهنگ و هنر کالیفرنیا

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

کمپین برای آزادی (زندانیان سیاسی و عقیدتی)

کمپین توقف قتل های ناموسی - کمپین دختران دادخواه

کمپین نجات زندانیان سیاسی و محکومین به اعدام

کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران

کمیته بین المللی علیه اعدام

کمیته دفاع برای آزادی و دموکراسی در ایران

کنشگران حقوق بشر ایران

کنگره مشترک جمهوری خواهان دموکرات و فدرال دموکرات

کنگره ملیت های ایران فدرال

کومله زحمتکشان کوردستان

گروه حقوق بشر بلوچستان

گروه زن، زندگی، آزادی گوتنبرگ سوئد

گروه ۲۵ شهریور

مدافعان حق کودکی در ایران

مرکز حقوق بشر زاگرس

نهاد انسان آزاد

نهاد خانه ایران

نهاد نه به تابو نه به خشونت علیه زنان

نهاد همبستگی جمهوری خواهان

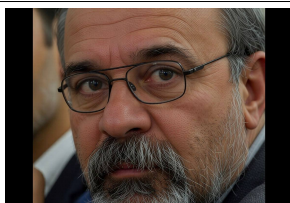
همبستگی برای دموکراسی در ایران

همبستگی بین المللی برای صلح

همبستگی فراگیر برای آزادی و برابری در ایران (برگرفته از مدیای اجتماعی)

شمار نهادها، تشکلهای، احزاب و جمع های حمایت کننده به ۱۳۰ رسیده است

آزادی منوچهر آقایی با تودیع وثیقه



این رابطه مینویسد: "گزارش تودیع وثیقه و آزادی موقت نمی تواند جایگزین حق بدیهی آزادی بی قید و شرط فعالان

صنفی باشد." این شورا ضمن محکوم کردن روند بازداشت ها، یورش ها و فشارهای امنیتی بر معلمان معترض، خواستار پایان دادن فوری به این سرکوبگریها و لغو پرونده های قضایی و تضمین حق تشکیل یابی و فعالیت آزادانه صنفی برای همه فرهنگیان شده است.

بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان منوچهر آقایی از اعضای انجمن صنفی فرهنگیان کرمانشاه و عضو شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، که در پی یورش مأموران امنیتی به منزلش در تاریخ ۲۵ اسفندماه بازداشت شده بود، در هجدهم فروردین ماه با تودیع وثیقه به طور موقت آزاد شده است. ضمن تبریک آزادی این معلم معترض بر آزادی فوری و بدون قید و شرط او تاکید داریم.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در اطلاعیه خبری خود در



با تمام قوا با اعدامها و دستگیریها مقابله کنیم

جمهوری اسلامی در ادامه کشتار دیماه خونین ۱۴۰۴ و قتل عام وحشیانه معترضین، امروز در سایه جنگ به بیرحمانه ترین شکلی به جنایاتش ادامه میدهد و همچون مار زخم خورده ای به جان مردم افتاده است.

این حکومت منفور با ادامه سیاستهای اتمی و جنگ افروزان زندگی و تمام زیرساخت های جامعه را به نابودی کامل می کشاند و با سرباز زدن از آتش بس و مذاکرات، علیرغم تحمیل ضربات مهلک و کشنده، میخواهد در سایه جنگ جامعه را به خون بکشد و به هر شکل شده به موجودیتش ادامه دهد.

در راستای این سیاست است که حکومت بیرحمانه کشتار و جنایت میکند و اعدامها هر روزه شده است. در زندانها فاجعه ای انسانی در جریان است و معترضین همچون اسرای جنگی زیر فشار گرسنگی و تحت شکنجه و آزار و اذیت جانشان در خطر است. فضای شهرها نیز تماماً نظامی شده و گشت ها و ایستگاههای بازرسی خیابانی به راه افتاده و حکومت با وارد کردن اوباش و تروریستهای حشد الشعبی و فاطمیون و زینبیون ورژه این اراذل در خیابانها، به مردم پیام مرگ و سرکوب میدهد.

اژدهای رئیس جلالد قوه قضائیه این فرمانده اعدام و سرکوب هم در هفدهم فروردین ماه فرمان تسریع اجرای احکام علیه «همکاران دشمن» یعنی مردم معترض را داده و برعدم تعلل و مامشات تاکید کرد. او در همین سخنان بار دیگر بر قانون تشدید مجازات «جاسوسی و همکاری با اسرائیل و کشورهای متخاصم» که اسم رمز مخالفین حکومت است تاکید کرده کرده و بر احکام اعدام و مصادره اموال در قبال «فعالیت اطلاعاتی یا جاسوسی به نفع اسرائیل یا دولت های متخاصم» مردم معترض در ایران و ایرانیان ساکن خارج کشور را مورد تهدید قرار میدهد.

طبق گزارشات بر اساس همین سیاست بازداشت ها گسترش بیشتری یافته و معترضین بسیاری با این اتهامات بازداشت شده و با خطر محکومیت به اعدام روبرو هستند.

از جمله با توجه به نقش مهمی که شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان و به راه انداختن کارزارهایی

چون نیمکت های خالی، و کلاسهای بدون معلم در اعتراض به کشتار دیماه داشتند و صدایش جهانی شد، دستگیری ها و تهدیدات امنیتی علیه معلمان گسترش یافته است. بازداشت رضا امانی فر بازرس شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان و عضو کانون صنفی معلمان بوشهر در پانزدهم فروردین ماه، بازداشت بختیار رضوانی، معلم معترض در گچساران، در هفدهم اسفند ماه ۱۴۰۴ که جهت پیگیری وضعیت برادرش خشایار رضوانی مراجعه کرده بود، نمونه های اخیر این دستگیری هاست. منوچهر آقابیک، عضو هیئت مدیره انجمن صنفی فرهنگیان کرمانشاه نیز از تاریخ ۲۷ اسفندماه در بازداشت بسر میرد.

خبرها از دستگیری بیش از ۳۰ نفر از مردم معترض در کرمانشاه و بیست و هشت نفر در سیستان و بلوچستان در هفدهم فروردین ماه خبر میدهند. بر اساس گزارشات حکومتی ۱۳ نفر از این افراد متهم به فراهم کردن زمینه ورود گروهها به داخل کشور، ۱۰ نفر متهم به «شبکه سازی» و ایجاد هسته های عملیاتی، و ۵ نفر دیگر آنها به اتهام فعالیت رسانه ای و ارسال اطلاعات درباره مراکز نظامی، دفاعی و اقتصادی بازداشت شده اند. همچنین اعلام شده از این افراد سلاح هایی مانند کلاشینکف، سلاح کمری، مواد انفجاری و تجهیزات ارتباطی کشف شده است. این اتهامات مقدمه ای برای صدور احکام اعدام برای این معترضین است.

بعلاوه طبق گزارش روز هفدهم فروردین ماه چهار زندانی سیاسی، سعید ماسوری، لقمان امین پور، میثم دهبان زاده و سپهر امام جمعه، از شامگاه نهم فروردین ماه به خاطر اعتراض به انتقال شش زندانی سیاسی محکوم به اعدام برای اجرای حکم اعدام دست به اعتصاب غذا زده بودند، همچنان در سلول های انفرادی بند ۴ زندان قزلحصار نگهداری می شوند.

اخبار این دستگیریها و سرکوبگرها بازتاب جهانی داشته و هیأت حقیقت یاب سازمان ملل، نسبت به اعدام زندانیان سیاسی و محاکمات ناعادلانه در ایران هشدار داده است. این هیأت در گزارش خود استفاده از مجازات اعدام به عنوان ابزاری برای سرکوب مخالفان را نقض جدی حقوق بشر خوانده و ضمن محکوم کردن اعدامها، خواستار توقف فوری این روند شده است.

جنبش علیه زندان و اعدام در ایران امروز یک جنبش بین المللی است.

جنبشی که یکسرش در زندانها و سر دیگرش در اقضا نقاط جهان است و کارزاری جهانی علیه اعدام و در حمایت از زندانیان سیاسی با سه مطالبه فوری توقف فوری تمامی اعدامها و لغو مجازات اعدام، آزادی فوری تمامی بازداشت شدگان و زندانیان سیاسی و دسترسی فوری مردم ایران به اینترنت آزاد و با شرکت دهها نهاد و گروه و احزاب سیاسی شکل گرفته است. و این در حالی است که کارزار «سه شنبه های نه اعدام» که با اعتصاب غذای هفتگی زندانیان برگزار می شود در صد و پانزدهمین هفته خود در هفدهم فروردین ماه در ۵۶ زندان کشور جریان داشت.

این کارزار علیرغم شرایط جنگی و با وجود قطع اینترنت و محدودیت های ارتباطی همچنان در حال گسترش است. زندانیان شرکت کننده اعلام کرده اند که به تعهد خود در کارزار «سه شنبه های نه به اعدام» «پایبند مانده و اعتصاب غذا را ادامه می دهند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی بر یک اتحاد مبارزاتی قدرتمند میان تمامی نهادها و تشکلهای اجتماعی و احزاب و جریانات سیاسی برای مقابله با سرکوب گریهای گسترده حکومت و اعدام و کشتار تاکید میکند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

<https://free-them-now.com/>

۱۸ فروردین ۱۴۰۵، ۷ آپریل ۲۰۲۶

کارزار «سه شنبه های نه به اعدام» که با اعتصاب غذای هفتگی زندانیان برگزار می شود در صد و پانزدهمین هفته خود در هفدهم فروردین ماه در ۵۶ زندان کشور جریان داشت. این کارزار علیرغم شرایط جنگی و با وجود قطع اینترنت و محدودیت های ارتباطی همچنان در حال گسترش است. زندانیان شرکت کننده اعلام کرده اند که به تعهد خود در کارزار «سه شنبه های نه به اعدام» «پایبند مانده و اعتصاب غذا را ادامه می دهند.